

بررسی تطبیقی تمثیل در انگلیسی و فارسی: مطالعه‌ای موردی در دو کتاب منطق‌الطیر عطار و سیر و سلوک زائر جان بانی‌ین

پروانه معاذلهی*

مریم سعیدی*

چکیده

تمثیل همواره به‌عنوان یکی از انواع ادبی محبوب در تمامی ملل پذیرفته شده است و به‌عبارتی می‌توان آن را قالب ادبی‌ای جهانی دانست؛ علاوه بر این، مفهوم سیر و سلوک یا سفر عارفانه به‌صورت تمثیلی مکرراً در قالب‌هایی نظیر شعر و داستان‌های ادبی به‌کاررفته است. از نمونه‌های تمثیلی منظوم در فارسی می‌توان از منطق‌الطیر عطار و در انگلیسی از نمایش منظوم مرگ سرخ اثر ادگار آلن پو یاد کرد و از نمونه‌های تمثیلی منثور می‌توان از قصه غربت غریبه اثر شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی و در انگلیسی از سیر و سلوک زائر و بسیاری دیگر، نظیر کمدی الهی دانته نام برد.

مقاله حاضر برآن است تا از گذر بررسی تطبیقی کتاب‌های سیر و سلوک زائر و منطق‌الطیر، تفاوت‌ها و نیز شباهت‌های بین این دو اثر را از لحاظ محتوا، داستان‌پردازی، شخصیت‌پردازی و مضمون سفر معنوی مشخص سازد.

کلیدواژه‌ها: تمثیل، سیر و سلوک زائر، منطق‌الطیر، سفر معنوی، سیر و سلوک.

*. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قم.

مقدمه

دستغیب (۱۳۸۵: ۶۵) معتقد است که تمثیل^۱ از ارکان مهم ادبیات است، زیرا بستر مناسبی برای روایت‌های متفاوت و درکنارهم‌قرار دادن اندیشه‌های متضاد فراهم می‌آورد؛ ضمن اینکه در تمثیل، این توانایی نهفته است که می‌تواند موضوع اندیشگی دشوار و چندلایه را نازل و همه‌فهم کند و مفهوم آن را در دسترس عموم قرار دهد. اگرچه در منطق استدلالی، تمثیل در قیاس با استدلال‌های استقرایی و استنتاجی بسیار فروتر قلمداد می‌شود، در ادبیات این‌گونه نیست و تمثیل کارایی بسیار دارد، به طوری که برخی از آثار ادبی و اساطیری جهان تمثیلی هستند یا بر پایه تمثیل بنیاد شده‌اند. تمثیل، روایتی است که دو معنا دارد: معنای لفظی یا ظاهری که همانا خود قصه است و معنای استعاری که همان کردارها یا اشخاص‌اند، یا حتی موضوع‌هایی که معادلی تک‌به‌تک با آن روایت لفظی دارند.

تمثیل غالباً دلالت‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی مشخص و متمایزی دارد، که در پیکره نمادهایش جای داده شده است. در اینجا، روایتی که در لایه ظاهری بیان می‌شود، همان معنایی نیست که راوی قصد دارد القا کند. این معنا در لایه دیگر، ناگفته و پنهان است. پس می‌توان لایه دوم را «داستان حقیقی» نامید و ارزش تمثیل و در واقع بنیاد آن در همین لایه قرار دارد.

کشف لایه دوم، البته زیرکی و خبرگی می‌خواهد؛ زیرا لایه ظاهری روایت، همان قدر می‌تواند پنهان‌کننده معنا باشد. در بن هر تمثیلی، تشبیه یا استعاره‌ای وجود دارد و تمثیل بر حسب مقتضیات آنها به صورتی یکپارچه پرورانده می‌شود. تمثیل‌های کوچک و بزرگی که در آثار ادبی آمده، هم متنوع و هم بسیار آگاه‌کننده است و گاه، در اساس، جزء و رکن اصلی اثر است. بسیاری از روایت‌های کلیده و دمنه، عطار و سعدی، از جمله تمثیل‌های کوچک‌اند؛ اما منطق‌الطیر، سیرالعباد الی‌المعاد و کمندی الهی، تمثیل‌هایی هستند بزرگ. ساختار این

1. allegory

منظومه‌ها بر بنیاد طرح و درونمایه‌ای واحد گذاشته شده است، اما در عمل، قصه‌های کوتاه بسیاری را در خود جای داده‌اند.

منطق‌الطیر عطار، به‌عنوان بهترین و شیواترین مثنوی عرفانی، در قرن ششم و اوایل قرن هفتم نگاشته شده و تاج مثنوی‌های عطار محسوب می‌شود. موضوع این اثر، سفر جمعی از پرندگان به سوی پرده‌ای افسانه‌ای به نام سیمرغ است. منظور از پرندگان، سالکان راه حق و مراد از سیمرغ، وجود حق است. عطار، این منظومه را با نیروی تخیل و با به‌کاربردن رمز، نماد و تمثیل، به زیباترین وجه بیان کرده است.

تمثیل در بین انگلیسی‌زبانان همواره به‌عنوان یکی از قالب‌های ادبی مرسوم و محبوب پذیرفته شده است و بسیاری محبوبیت این نوع ادبی را در تمثیلی بودن کتاب مقدس دین مسیحیت می‌دانند، به‌صورتی که همیشه شمار بسیار محدودی از نسخ/انجیل عاری از تمثیل یا سمبل بوده‌اند. از طرفی، برخی دیگر بر این اعتقادند که تمثیل یک نوع ادبی مستقل نیست، بلکه شیوه خاصی از تعبیر متن است، بدین‌صورت که در تمثیل، با به‌کاربردن سمبل‌ها یا نشانه‌هایی که به یکدیگر مربوط‌اند، حکایتی را بازگو می‌کنند و خواننده می‌تواند این حکایت را هم به‌صورت تحت‌اللفظی و هم به روش تمثیلی تعبیر کند.

اولین نمونه‌های تمثیلی در ادبیات انگلیسی در قرن چهارم بعد از میلاد مسیح نگاشته شده‌اند و تمثیل همواره طی قرون وسطا و رنسانس و عصر الیزابت تحولاتی را از سر گذرانده است؛ به‌طوری‌که در قرون وسطا تمثیل به‌عنوان ابزاری برای برقراری پیوند میان عهد عتیق و عهد جدید از سوی مسیحیان به کار برده می‌شد، بدین‌ترتیب که وقایع عهد عتیق را به‌صورت جزئی از یک حکایت می‌پنداشتند و با پیوند دادن آن به زندگی حضرت مسیح(ع)، نتیجه‌ای به خواننده ارائه می‌کردند. داستان حضرت یونس(ع) و نهنگ در عهد عتیق نمونه‌ای از یک تمثیل قرون وسطایی است که بدین‌گونه تعبیر می‌شود: نهنگ همان مدفن حضرت مسیح(ع) است و این داستان به دفن شدن و برخاستن حضرت مسیح(ع) اشاره

دارد؛ یعنی همان‌طور که یونس(ع) از دل نهنگ رهایی یافت، حضرت مسیح(ع) نیز پس از سه روز از مدفن خویش برخاست. در نتیجه، هرگونه کاربرد نهنگ و حضرت یونس(ع) در ادبیات و هنر قرون وسطا، تمثیلی از دفن شدن و رستاخیز حضرت مسیح(ع) است.

حیوانات، اشیا و گیاهان نیز گاهی در ادبیات انگلیسی، مانند ادبیات فارسی، به شکل تمثیلی برای ارائه آموزه‌های اخلاقی به کار رفته‌اند؛ به عنوان مثال، در قصص حیوانات، همواره از حیوانات به عنوان نشانه‌هایی از آموزه‌ها و شخصیت‌های *انجیل* استفاده شده است. یک نمونه از این شیوه کاربرد، گوزن‌های نر هستند که به شیوه‌ای تمثیلی به افراد مقید به کلیسا اشاره دارند. آنان چراگاه خود را در جست‌وجوی چراگاهی (آسمانی) ترک می‌کنند و هنگام عبور از رودخانه‌های عریض (گناهان)، با قراردادن سر خود بر کفل گوزن بعدی (حمایت از یکدیگر با اعمال نیکو)، همگی از عرض رودخانه می‌گذرند (نفس را مهار می‌کنند).

در این دوران، طبقه‌بندی‌ای برای آثار تمثیلی انجام گرفته است که به نظر می‌رسد در ادبیات فارسی مابه‌ازایی نداشته باشد؛ بدین صورت که مفسران *انجیل*، آثار تمثیلی برگرفته از این کتاب مقدس را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: در دسته اول تمثیل‌ها، خواننده بدون هیچ‌گونه برداشت تمثیلی، وقایع داستان را نمودی از رخدادهای تاریخی می‌پندارد، در دسته دوم که نوع شناختی^۱ نامیده شده‌اند، وقایع عهد عتیق به وقایع عهد جدید پیوند داده می‌شوند، و رخدادهای زندگی حضرت مسیح(ع) به داستان‌های عهد عتیق ربط داده می‌شوند؛ در دسته سوم تمثیل‌ها که تمثیل اخلاقی^۲ نامیده می‌شوند، آموزه‌های اخلاقی به شکل تمثیلی تبیین می‌شوند؛ و در دسته چهارم یا تمثیل‌های متعالی^۳، به مسائلی نظیر بهشت، جهنم و روز داوری به روشی تمثیلی توجه می‌شود.

در ادبیات انگلیسی، تمثیل صرفاً برای بیان مفاهیم مذهبی به کار نرفته، بلکه گاهی از

1. typological
3. anagogical

2. moral

آن برای شرح و بازگویی مفاهیم سیاسی و تاریخی نیز استفاده می‌شده است. از نمونه‌های این دسته تمثیل‌ها می‌توان به *ارباب حلقه‌ها*^۱ به‌عنوان تمثیلی از جنگ‌های جهانی و مزرعه حیوانات^۲ به‌عنوان تمثیلی از جو سیاسی حاکم در زمان جورج اورول^۳ اشاره کرد. در اینجا شباهت دیگری بین سیر و سلوک زائر و منطق‌الطیر می‌توان یافت که همان تعلق داشتن به یک طبقه یکسان از تمثیل‌ها یعنی تمثیل آرا و عقاید است. نوع دیگر تمثیل‌ها، تمثیل‌های سیاسی و تاریخی نامیده می‌شوند.

اما از بین آثار تمثیلی مذهبی، سیر و سلوک زائر اثری متمایز و جاویدان تلقی می‌شود. این اثر که در زبان فارسی با عناوین مختلفی چون پیشرفت زائر، سیر و سلوک ترسا و سیر و سلوک زائر ترجمه شده، تاکنون بعد از کتاب مقدس، پرخواننده‌ترین کتاب در جامعه مسیحیان قلمداد شده و به بیش از صد زبان دنیا ترجمه شده است. عنوان کامل این کتاب، سیر و سلوک زائر از این دنیا به دنیایی که پیش روست^۴ است.

موضوع این کتاب، سفر فردی مسیحی، در پی دیدن کابوس عذاب الهی، از شهر خود (شهر نابودی)^۵ به شهر آسمانی^۶ است. کتاب سیر و سلوک زائر در ابتدا چندان مورد توجه ادبای زمان خود که آن را صرفاً متأثر از ایمان آتشین و تأثیرات الهام‌گونه آن می‌دانستند، قرار نگرفت. جاناتان سویفت^۷ و بن جانسون^۸، اولین افرادی بودند که در ستایش این اثر مطلب نوشتند. درواقع تا دهه سی قرن نوزده میلادی چندان مطلبی درباره این نویسنده منتشر نشد؛ تا اینکه در دهه هشتاد، این نویسنده در زمره ادیبان انگلیسی قرار گرفت. در این زمان، این کتاب به هفتاد زبان ترجمه شده بود.

1. *The Lord of Rings*2. *Animal Farm*

3. George Orwell

4. *The Pilgrim's Progress from this World to the World Which Is to Come*5. *The City of Destruction*6. *Celestial City*

7. Jonathan Swift

8. Ben Johnson

برخی منتقدان، این کتاب را مقدمه‌ای بر رمان انگلیسی و آن را در شکل‌گیری فضای ذهنی نویسندگان برجسته‌ای چون دنیل دفو^۱ و لارنس استرن^۲ سهیم می‌دانند. درحقیقت، این کتاب، گل بوستان تجربیات و معارف پیورتن‌ها و از آثار بزرگ زمان چارلز دوم است.

بررسی تطبیقی سیر و سلوک زائر و منطق‌الطیر

دو کتاب *منطق‌الطیر* عطار نیشابوری و *سیر و سلوک زائر* جان بانی‌ین در مواردی با هم تفاوت‌های مهمی دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

تفاوت در دوره زمانی

این دو کتاب در دو دوره زمانی متفاوت نگاشته شده‌اند: *منطق‌الطیر* در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری (برابر با قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی) و *سیر و سلوک زائر* در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی نوشته شده است.

تفاوت در بستر فرهنگی و تاریخی

دوره‌ای که در آن عطار رشد کرد و بالید و به نگارش احوال و اقوال پرداخت، مصادف است با زمانی که جنگ‌ها و حملات مختلف کشورهای همسایه به ایران، این کشور را مورد تهدید قرار داده بود و روحانیان و صوفیان پیوسته تلاش می‌کردند بر پیروان مکتب خود جمعی تازه بیفزایند؛ اما عطار در نظاره ستیزه‌های میان فرقه‌های مختلف مسلمان به صفا و یکرنگی و اتحاد و یگانگی بیشتر دل‌بستگی می‌یافت. او که از جنگ «هفتاد و دو ملت» آزرده‌خاطر شده بود، در پی کشف حقیقت برآمد و در این راستا، کوششی چشمگیر آغاز کرد تا از این غوغاها که شهر نیشابور را پرکرده بود، رهایی یابد؛ پس به جست‌وجو برآمد و در جهان آفرینش

1. Daniel Defoe

2. Laurence Sterne

به اندیشه نشست و کوشید که نخست خود را بشناسد و از رهگذر آن به خداشناسی نایل آید. این جست‌وجوگری از یک سو و سخنان پدرش که خود به تصوف گرویده بود، از سوی دیگر، باعث شد که عطار راه دیرمغان درپیش گیرد و از همان سال‌های نخستین زندگی به «درویشان» توجه کند و در احوال و آداب ایشان به تفکر درآید. منطق‌الطیر، حاصل این سبک زندگی و فرهنگی است که عطار در آن می‌زیسته است.

اما بنا به نظر اولین منتقدان جان بانی‌ین، از جمله جان براون، دوره فرهنگی و تاریخی که جان بانی‌ین دست به قلم برده و کتاب سیر و سلوک زائر خود را به نگارش درآورده، مصادف با زمانی است که وی برای دومین بار به مدت شش ماه از اوایل سال ۱۹۷۵ در زندان به سر می‌برده و اختلافات شدیدی بین کلیسا، سلطنت و اشرافیت حاکم بوده است. ایده اصلی‌ای که داستان سیر و سلوک زائر جان بانی‌ین را شکل می‌دهد، از پروتستان‌یسم افراطی گرفته شده است که طبق آن، ایمان به حضرت مسیح (ع) و رابطه انسان مسیحیو خداوند باید بدون دخالت کلیسای کاتولیک در مقام مفسر، راهنما یا نیروی وادارکننده در انسان‌ها پدید آید. داشتن زندگی مذهبی برای تک‌تک افراد، یک اصل بوده و لازمه آن، آشنایی با کتاب مقدس، عبادت و دعا، ایمان و امید به زندگی بعد بود. در چنین اوضاع و شرایط فرهنگی بود که جان بانی‌ین دست به قلم برد و نوشتن کتاب سیر و سلوک زائر را آغاز کرد و با ذهنی سرشار از عشق و ترس از خدا، همواره در پی تقویت روحیه مذهبی و توجه از برون به درون و ترک لذات بود.

در نتیجه، هر دو اثر در زمینه‌ای از اختلافات آفریده شدند تا سبب یکدلی و همدلی همگان برای قدم‌نهادن در راه خدا شوند.

در تطابق این دو اثر، تشابهات بسیاری نیز می‌توان یافت که از آن جمله موارد زیر

است:

شباهت موضوعی

همان‌گونه که حکیم سنایی در *سیرالعباد الی‌المعاد*، سفر را به دو گونه سفر جسمانی و سفر روحانی تقسیم کرده است، در این دو کتاب شخصیت‌ها در سفری روحانی ترسیم شده‌اند که طی مراحل ترک لذات دنیوی و وصول به درجات الوهی را پشت‌سر می‌گذارند. همان‌طور که در سفر روحانی باید جسم را که ترکیبی از غرایز و طبایع است، از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک کرد، مسیحی نیز در کتاب *سیر و سلوک زائر*، اعمال رذیله‌ای را که نویسنده به جامهٔ ژنده تشبیه کرده است، طی سفری روحانی و به‌منظور رسیدن به دیار سماوی یا شهر آسمانی و با غایت حیات جاوید از خود می‌زداید. در *منطق‌الطیر* نیز پرندگان سفری روحانی را تجربه می‌کنند، با این تفاوت که برخلاف مسیحی در *سیر و سلوک زائر*، این سفر، گروهی و دسته‌جمعی است نه انفرادی. در هر دو کتاب، از شمار افرادی که راهی این سفر پرمخاطره شدند، به تدریج کاسته می‌شود تا درنهایت، فقط مسیحی و سی مرغ در محضر حق تعالی حاضر شوند.

ایدهٔ مذهبی و برگرفته از کتاب آسمانی

ایدهٔ *منطق‌الطیر* از کتاب آسمانی *قرآن* و آیهٔ شریفه «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَظِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل / ۱۶) گرفته شده است. در تفاسیر *قرآن کریم*، از مرغان مختلفی که با سلیمان (ع) سخن گفته‌اند و او گفتار آنان را برای پیروان خود ترجمه فرموده است، اسم برده‌اند. کتاب *سیر و سلوک زائر* نیز مستقیماً از آموزه‌های اخلاقی *انجیل* و براساس عقاید پولس رسول تأثیر پذیرفته است. در این کتاب، اصول آیین پروتستان و کلیسای کاتولیک مطرح شده است.

ایدهٔ دعوت

در هر دو کتاب *منطق‌الطیر* و *سیر و سلوک زائر*، خواننده به خودشناسی، خداشناسی و

رستگاری دعوت می‌شود. بانی‌ین مانند لوتر و سایر عالمان روحانی بزرگ، چه در این کتاب و چه در خطابه‌های خود که از قوی‌ترین بیانیه‌های الهی محسوب می‌شوند، روح بشر فناپذیر و سرگردان را به اطاعت از فرمان خدا دعوت می‌کند.

بهره‌جستن از عنصر قصه و گنجاندن قصه‌های فرعی در بطن ماجرای اصلی

در کتاب *منطق‌الطیر*، جدا از روایت اصلی داستان، یعنی داستان سفر پرندگان، داستان‌ها و حکایات مختلفی بیان می‌شود؛ اما این به آن معنا نیست که داستان از روایت اصلی خود دور می‌شود، بلکه هریک از این قصه‌ها و داستان‌های فرعی، به روایت اصلی داستان غنا می‌بخشد. داستان شیخ صنعان را می‌توان از جمله داستان‌های فرعی این کتاب دانست. در مورد کتاب *سیر و سلوک زائر*، داستان، روایت اصلی خود را حفظ می‌کند و تعدادی داستان فرعی نقل می‌شود که آنها هم روایت داستان را پررنگ‌تر می‌کنند و به‌هیچ‌وجه قصه‌ای غیرضروری محسوب نمی‌شوند. رویارویی مکرر مسیحی با شخصیت‌های متفاوت و شیران و دیوها هریک داستان‌هایی فرعی در داستان می‌گنجانند. در واقع، هر دو کتاب، قصه در قصه‌اند.

تمثیل، نمادپردازی و رمزگرایی

در هر دو کتاب از تمثیل و نمادپردازی برای خلق و پرورش شخصیت‌های داستان استفاده شده است و شخصیت‌ها و مکان‌های نمادین را می‌توان از مهم‌ترین جنبه‌های این دو اثر دانست.

شخصیت‌های نمادین داستان

در *منطق‌الطیر*، سی مرغ که نماد همهٔ انسان‌های روی زمین هستند، قدم در راه حق

می‌گذارند، اما از میان این سی مرغ، تعداد محدودی مرغ جزء شخصیت‌های اصلی قصه به‌شمار می‌روند که این شخصیت‌ها هر یک نماد دسته و گروه خاصی از مردمان؛ از طرفی، در سیر و سلوک زائر نیز مسیحی^۱ نمادی از هر انسان، مسیحی‌ای است که مستعد مسیحی حقیقی شدن است. وی در طی طریق، با شخصیت‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شود که نام هر یک نشانگر خصوصیات اخلاقی آنان است. برخی شخصیت‌های این دو کتاب را می‌توان برابر دانست. در زیر، اسامی آن دسته از شخصیت‌ها که تشابهی با یکدیگر دارند، قید شده است:

۱. مسیحی: سی مرغ

۲. بشیر^۲: هدهد

۳. نرم‌خو^۳: طوطی

۴. کمک‌کار^۴: هدهد

۵. خودرأی^۵: هما

۶. عاقل دنیوی^۶: طاووس

۷. شکاک^۷: بط

۸. دنیادار یا گنجور^۸: کبک

۹. ریاکار^۹: طاووس

۱۰. جهالت^{۱۰}: طاووس

۱۱. پرگو^{۱۱}: باز

1. Christian
3. Pliable
5. Obstinate
7. Caution
9. Hypocrisy
11. Talkative

2. Evangelist
4. Help
6. Worldly Wiseman
8. Jeweler
10. Ignorance

مکان‌ها و مراحل نمادین سفر

مکان‌های توقف سالکان راه حق در *منطق‌الطیر*، «وادی» نامگذاری شده است. این وادی‌ها عبارت‌اند از: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فنا. مسیحی نیز در سیر و سلوک زائر، در طی طریق به سمت کوه صهیون (محل قرارگیری شهر آسمانی)، از وادی‌ها یا مکان‌هایی عبور می‌کند که عبارت‌اند از: شهر نابودی، باتلاق یأس^۱، کوه تهدیدکننده زندگی^۲، دروازه کوچک^۳، کوه سختی^۴، زیباخانه^۵، دره سایه مرگ^۶، بازار بطالت (پوچی)^۷، مرغزار جاده پرت^۸، قصر شک^۹، کوه‌های خوشگذرانی^{۱۰}، سرزمین امانوئل^{۱۱}، رود مرگ^{۱۲}، سرزمین دلفریب^{۱۳}، کوه صهیون^{۱۴} و شهر آسمانی. هر کدام از وادی‌ها، با مراحل عرفانی مسیحیت همخوانی دارد و تاحدی با مراتب اشراق در عرفان اسلام هماهنگ است.

اولین وادی در هفت مرحله سلوک عارفانه عطار، «وادی طلب» است که در ابیات زیر بیان شده است:

چون فرو آیی به وادی طلب	پیش از آن هر زمانی صد تعب
چون نماند هیچ معلومت به دست	دل بیاید پاک کرد از هر چه هست
چون دل تو پاک گردد از صفات	تافتن گیرد ز حضرت نور ذات
چون شود آن نور بر دل آشکار	در دل تو یک طلب گردد هزار

عبارت «صد تعب» در مصرع دوم بیت اول را می‌توان با «کوه سختی» در آغاز راه مسیحی و نیز باری که او بر دوش خود احساس می‌کند، همسان دانست. مصرع

1. Slough of Despond
3. Wicket Gate
5. House Beautiful
7. Vanity Fair
9. Doubting Castle
11. Immanuale's Land
13. The Land of Beulah

2. Mount Sinai
4. Hill Difficulty
6. Valley of the Shadow of Death
8. By-path Meadow
10. The Delectable Mountains
12. The River of Death
14. Mount Zion

«دل ببايد پاک کرد از هرچ هست» اولین منزلگه آرامش و راحتی مسیحی را به یاد می‌آورد که همان منزل مفسر^۱ است. در این منزلگاه که تالارهای متعدد دارد، از مسیحی خواسته می‌شود تالار پوشیده از گرد و غبار را تمیز کند که به‌طور تمثیلی به‌معنای غبار گناه و غفلت از دل زدودن است. مصرع «تافتن گیرد ز حضرت نور ذات» تالار دیگری در منزل مفسر را به‌خاطر می‌آورد که فردی مشغول آبیاشی است و به مسیحی یادآور می‌شود که دلی که از غبار معصیت زدوده شود، با نور هدایت و بشارت الهی احیا می‌شود.

بشیر در این مرحله به سراغ مسیحی می‌رود تا راه رستگاری را از دروازه کوچک به‌سوی او باز کند. او درطول راه، مانند هدهد در منطق‌الطیر، به اشکال مختلف، مسیحی را در سفر همراهی می‌کند. این دروازه کوچک، آغاز راه و شروع سلوک عارفانه مسیحی است و کوچک‌بودن دروازه، به در آغاز راه بودن مسیحی اشاره دارد.

وادی طلب در عرفان اسلامی، شبیه وادی بیداری در عرفان مسیحیت است. همان‌طور که پرندگان در منطق‌الطیر، شیفته و طالب سیمرغ می‌شوند، مسیحی نیز در وادی بیداری با آگاهی از نفس خود و وجود ذات مطلق حق تعالی، شهر ویرانی را درحالی که به‌شدت ابراز پشیمانی و توبه می‌کند، به‌سوی شهر آسمانی ترک می‌کند.

وادی دوم در سلوک عارفانه عطار، «وادی عشق» است که ابیات زیر نشانگر آن هستند که موارد مشابهی از آن را در سیر و سلوک زائر می‌توان یافت:

بعد ازین، وادی عشق آید پدید	غرق آتش شد، کسی کانجا رسید
کس درین وادی به‌جز آتش مباد	وانک آتش نیست، عیشش خوش مباد
عاشق آن باشد که چون آتش بود	گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود
گر ترا آن چشم غیبی باز شد	با تو ذرات جهان هم‌راز شد
ور به چشم عقل بگشایی نظر	عشق را هرگز نبینی پا و سر

1. The House of Interpreter

تضادی که عطار در بیت پنجم (ور به چشم عقل بگشایی نظر / عشق را هرگز نبینی پا و سر)، بین عقل و عشق قایل می‌شود، در سیر و سلوک زائر نیز پدید آمده است، بدین ترتیب که: عاقل دنیوی، قانونمند و پسرش آداب‌دان، همان‌طور که از نام‌هایشان برمی‌آید، نماد عقل‌گرایی و قانونمندی و اصالت هستند که در شهر فناپذیری^۱ اقامت دارند و از مسیحی می‌خواهند از این سفر پرمخاطره دست بردارد ولی او دست رد به سینه آنها می‌زند و به طی طریق ادامه می‌دهد.

وادی سوم در عرفان اسلامی، «وادی معرفت» است که در ابیات زیر به تصویر درآمده است:

بعد از آن بنمایدت پیش نظر	معرفت را وادی بی پا و سر
سیر هرکس تا کمال وی بود	قرب هرکس حسب حال وی بود
معرفت زینجا تفاوت یافتست	این یکی محراب و آن بت یافتست
چون بتابد آفتاب معرفت	از سپهر این ره عالی‌صفت
هر یکی بینا شود بر قدر خویش	بازیابد در حقیقت صدر خویش

وادی سوم در عرفان مسیحیت، وادی تصفیة نفس^۲ و مکاشفه^۳ است؛ بدین‌صورت که مسیحی طی سیر و سلوک خود به منزل مفسر وارد می‌شود و در پی رهایی‌یافتن از آن بار گناه، از او چاره‌جویی می‌کند. مفسر تابلوهایی به او نشان می‌دهد که در آنها جوانب مختلف ایمان در زندگی و اعتقاد به مسیح(ع) به‌تصویر کشیده شده است. مسیحی در وهله اول، راه رهایی از معایب نفس را درمی‌یابد و سپس درمورد خداوند و حضرت مسیح(ع) معرفت پیدا می‌کند.

بعد ازین، وادی استغنا بود	نه درو دعوی و نه معنی بود
هفت دریا، یک شمر اینجا بود	هفت اخگر، یک شرر اینجا بود

1. Mortality
3. Contemplation

2. Purgation

هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ، همچو یخ افسرده‌ای است
 در ایبات بالا، وادی استغنا نموده شده که در عرفان مسیحیت، معادل مرحله گسستگی^۱ و
 فقر^۲ معنوی است. در ادامه داستان، مسیحی از دروازه کوچک می‌گذرد، یعنی تمامی شک‌ها
 را پشت‌سر می‌گذارد و مراحل آغازین سیر و سلوک را با موفقیت طی می‌کند. در این مرحله،
 نیاز مبرم مسیحی برای برداشته شدن بار گناهش، با دیدن چهره حضرت مسیح(ع) مرتفع
 می‌شود و بی‌نیازی مطلق در او ریشه می‌دواند و از این پس میل به وصال حق، او را در این
 راه پیش می‌برد.

مرحله بعد در سیر و سلوک پرندگان، مرحله توحید است:

بعد از این وادی توحید آیدت	منزل تفرید و تجرید آیدت
روی‌ها چون زین بیابان درکنند	جمله سر از یک گریبان برکنند
گر بسی بینی عده، گر اندکی	آن یکی باشد درین ره در یکی

در سیر و سلوک زائر، عکس این مرحله پیش می‌آید، یعنی جماعت به تصویر کشیده
 شده است، بدین ترتیب که مسیحی به تپه سختی صعود می‌کند و به زیباخانه می‌رسد که در
 آن، جماعتی از مسیحیان برای خواندن دعا گرد هم آمده‌اند. این گردهمایی، خود نمادی از
 کثرت در وحدت است که چندان بی‌شباهت به مرحله توحید نیست.

مسیحی با گذشتن از زیباخانه، یعنی پشت‌سر گذاشتن کثرت، به مرحله بعد در عرفان
 مسیحیت، یعنی مرحله وحدت^۳، قدم می‌گذارد و سپس به دره سیاه مرگ وارد می‌شود. در
 اینجا، ترس و وحشت او را فرا می‌گیرد. ورود به چنین مکان‌هایی و نیز روبه‌رو شدن با دیوان،
 شیران، ارواح خبیثه و سرزمین‌هایی مانند بازار بطالت، مسیحی را دچار آزمایش می‌کند که
 وی با ایمان راسخ همگی را پشت‌سر می‌گذارد. او در دره سیاه مرگ، «سرود بیست‌وپنجم» را
 می‌شنود که دوستش وفادار^۴ برای او می‌خواند. در این سرود چنین آمده است: «گرچه

1. Detachment
 3. Union

2. Poverty
 4. Faithful

از دره سایه مرگ می‌گذرم، ترسی از شیطان ندارم، زیرا تو با منی؛ تو عصا و چوب‌دستی منی و آنها مرا آرام می‌کنند». این مرحله از داستان سیر و سلوک زائر با مرحله «حیرت» عطار برابری می‌کند؛ زیرا بعد از آن ترس و وحشت که کریستین را فرا می‌گیرد، وی با شنیدن سرودی که وفادار می‌خواند، کاملاً شگفت‌زده می‌شود. این وادی، در ابیات زیر (از منطق‌الطیر) به تصویر کشیده شده است:

بعد ازین وادی حیرت آیدت کار دایم درد و حسرت آیدت
مرد حیران چون رسد این جایگاه در تحیر مانده و گم کرده راه

مرحله بعدی از مراحل هفتگانه در منطق‌الطیر، مرحله «فنا» است؛ که در ابیات زیر نشان داده شده است:

بعد ازین وادی فقرست و فنا کی بود اینجا سخن گفتن روا؟
صدهزاران سایه جاوید، تو گم‌شده بینی ز یک خورشید، تو

در این مرحله، سالکان به معشوق و مقصود خود می‌رسند. سی مرغ با سیمرغ دیدار می‌کنند و در سیر و سلوک زائر نیز مسیحی بعد از گذشتن از مکان‌های مختلف دیگری چون قصر شک، کوه‌های خوشگذرانی، سرزمین امانوئل، رود مرگ، و سرزمین دلفریب، به کوه صهیون می‌رسد که شهر آسمانی، مسیح(ع) و خداوند در آنجا قرار دارند. در هر دو کتاب، کوه به‌عنوان مقصد نهایی در نظر گرفته شده است: در کتاب منطق‌الطیر، «کوه قاف» و در کتاب سیر و سلوک زائر، «کوه صهیون» مکان پایانی سفر عارفانه است.

نتیجه

از این مطالعه چنین برمی‌آید که تمثیل در زبان‌های فارسی و انگلیسی سابقه طولانی دارد و بستری را فراهم می‌آورد تا افکار انتزاعی و ایده‌های حاکم بر ذهن نویسندگان در قالب نمادهایی در سراسر متن گسترش یابند و مفاهیم مد نظر وی به شیوه غیرمستقیم به خواننده

ارائه شود.

موضوع سفر روحانی و معنوی از خود به سوی خداوند، همواره مضمون و بن‌مایه ادبی بسیاری از آثار ادبیات داستانی و منظومه‌ها در زبان‌های مختلف بوده است؛ که در اینجا دو نمونه برجسته از آن بررسی شد. این دو اثر نه تنها از لحاظ نوع ادبی و مراحل و بن‌مایه عرفانی، بلکه در ساختارهای خردی مثل نحوه شخصیت‌پردازی، خلق جو و منشأ الهام، شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. در نتیجه، چنین به نظر می‌رسد که بین عرفان مسیحیت و اسلامی اگرچه تطابق یک به یک در ترسیم وادی‌های وصول به ذات حق وجود ندارد، شباهت‌هایی کلی می‌توان یافت.

کتابنامه

- بانی‌ین، جان. ۱۳۸۰. سیر و سلوک زائر: مقایسه تطبیقی عرفان مسیحیت و اسلام. ترجمه گلناز حامدی. تهران: مدحت.
- دستغیب، ع. ۱۳۸۵. «هنر تمثیل در آثار ادبی»، مجله کیهان، ش ۲۳۴؛ برگرفته از وبسایت www.noormags.com مورخ ۸۵/۳/۱۵.
- ابوالمجد مجدودبن آدم. ۱۳۴۷. مثنوی‌های حکیم سنایی؛ به‌انضمام شرح سیرالعباد الی‌المعاد. به‌تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. دانشگاه تهران. *ژورنال مطالعات فرهنگی*
- شمیسا، س. ۱۳۷۳. انواع ادبی. تهران: انتشارات فردوس.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. ۱۳۸۲. منطق‌الطیر. به‌اهتمام احمد خاتمی. تهران: سروش.
- _____ . منطق‌الطیر (مقامات طیور). به‌اهتمام سید صادق گوهرین. چاپ یازدهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ . ۱۳۸۳. منطق‌الطیر. مقدمه و تصحیح و تعلیقات: شفیع کدکنی. چاپ

اول. انتشارات سخن.

Bunyan, J. 1966. *The Pilgrim's Progress*. New York: Oxford University Press.

Cousin, J. W. 1910. *A Short Biographical Dictionary of English Literature*.

- London, J. M. Dent & Sons; New York: E. P. Dutton.
- Owens, W.R. 2003. *John Bunyan, the Pilgrim's Progress*. Oxford: University Press.
- Roger, S. 1965. *John Bunyan, The Pilgrim's Progress*. Harmondsworth: Penguins Books, Ltd., <http://www.reese.org/duneroller/legal.html>.
- Talon, H. A. 1956. *John Bunyan*. London: Mildner & Sons.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی